



تهران در نگاه عبدالرحیم جعفری، بنیانگذار انتشارات امیرکبیر

زبان مردم کوچه و بازار

امسال صدمین سال تولد مرحوم عبدالرحیم جعفری و هفتادمین سال تأسیس انتشارات امیرکبیر است. آنچه از آن مرحوم گفته و نوشته شده به تأثیرات او در عرصه نشر کشور باز می‌گردد. دلیل این امر نیز مشخص است؛ وی بنیانگذار انتشارات امیرکبیر، بزرگ‌ترین و از تأثیرگذارترین نشر کشور بوده است. در یکی از مراسمی که به یادبود زنده یاد جعفری برگزار شد، بزرگوارانی از اهل فکر و اندیشه درباره ایشان سخن راندند و من نیز سخنانی با عنوان «تهران از نگاه جعفری» ایراد کردم که میهمانان از آن استقبال کردند و به گفته دوستان زاویه‌ای جدید برای شناخت بنیانگذار انتشارات امیرکبیر پیش رو گذاشت‌پس از آن بر آن شدم که مباحث مطرح در آن سخنرانی را گسترش دهم و این کتاب را اثری در حوزه تهران‌شناسی معرفی کنم.

■ **تهران از زبان عبدالرحیم جعفری**

زمانی که به خاطرات و زندگنامه شخصیت‌های مختلف از هنرمند، سیاستمدار، اهل فرهنگ، جهانگرد و...که زاده تهران بودند یا دوره‌ای را در آن زندگی کرده‌اند رجوع می‌کنیم هر یک تصویری از این شهر به دست داده‌اند که بسیاری از آنها در نوع خود نو و تازه است. متأسفانه این آثار را از این زاویه مطالعه نکرده‌اند

شهروند مجازی

پیکانه خدایی

هشتگ

##ایرج_طهماسب

که بسیار هم باترابط داشت و امسال تجلیل از آقای مجری توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را جلب کرد. به این بهانه باهشتگ ایرج طهماسب درباره کلاه قرمزی و نقش طهماسب درباره ساخت خاطرات کودکی‌شان می‌نوشتند: «خاطرات کودکی‌ای که این آدم‌ها برومند، جبلی، طهماسب، شاه‌محمود و رسام و بیرنگ و...» برامون ساختن اونقدر عمیق و قشنگه که بعید میدونم توهیج نسل دیگه‌ای تکرار بشه. فکر نمی‌کنم نسل جدید ۳۰ سال دیگه وقتی موزیک برنامه‌های بیجکیشن رو گوش بدن بغض کنن و به غم عجیبی بیفته تو دلشون.»، «من هر وقت آهنگ کلاه قرمزی و آقای راننده رو می‌شنوم بغض می‌گیره؛ جقدر گذشته از اون سال‌ها.»، «هم‌زمان با لدن‌تی که این کلیپ داره، غمی هم میاد، غم سفید شدن موهای آقای مجری و خانوم برومند، غم کم شدن این نوع آثار چه اقبال بدی دارن نسل فعلی به‌خاطر ندانستن این مدل خاطره‌ها»، «جقدر خویه که از اش قدردانی کردن، خداییش معرکه است»، «به حس‌ی بعد از دیدن این نسل آدم‌ها بهم دست میده، به حس شوق همراه با نگرانی، ۴۰ سال‌مون شد و هیچی نفهمیدیم.

دیــــروز شنــــبه در بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی از ایرج طهماسب به پاس یک عمر فعالیت هنری تجلیل شد. سال گذشته شاهد کاری مشابه همین درباره آقای حکایتی بودیم

که بسیار هم باترابط داشت و امسال تجلیل از آقای مجری توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را جلب کرد. به این بهانه باهشتگ ایرج طهماسب درباره کلاه قرمزی و نقش طهماسب درباره ساخت خاطرات کودکی‌شان می‌نوشتند: «خاطرات کودکی‌ای که این آدم‌ها برومند، جبلی، طهماسب، شاه‌محمود و رسام و بیرنگ و...» برامون ساختن اونقدر عمیق و قشنگه که بعید میدونم توهیج نسل دیگه‌ای تکرار بشه. فکر نمی‌کنم نسل جدید ۳۰ سال دیگه وقتی موزیک برنامه‌های بیجکیشن رو گوش بدن بغض کنن و به غم عجیبی بیفته تو دلشون.»، «من هر وقت آهنگ کلاه قرمزی و آقای راننده رو می‌شنوم بغض می‌گیره؛ جقدر گذشته از اون سال‌ها.»، «هم‌زمان با لدن‌تی که این کلیپ داره، غمی هم میاد، غم سفید شدن موهای آقای مجری و خانوم برومند، غم کم شدن این نوع آثار چه اقبال بدی دارن نسل فعلی به‌خاطر ندانستن این مدل خاطره‌ها»، «جقدر خویه که از اش قدردانی کردن، خداییش معرکه است»، «به حس‌ی بعد از دیدن این نسل آدم‌ها بهم دست میده، به حس شوق همراه با نگرانی، ۴۰ سال‌مون شد و هیچی نفهمیدیم.

مریم معترف: عروسک‌ها را از مواد دور ریختنی ساختیم
عروسک‌های نمایش «قصه‌های سفر پرماجرا ی کشتی نوح» از مواد دور ریختنی پلاستیکی ساخته شده است. در همه اجراها بچه‌ها با این عروسک‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. آنها بعد از نمایش از پدر و مادر هایشان می‌خواهند که با وسایلی که در خانه دارند عروسک بسازند. چون بچه‌ها ذاتاً خلاق هستند.

معترف درباره ویژگی‌های نمایش جدیدش صحبت کرد

مهدی جعفری: به دنبال روش‌های سازنده باشیم
تمایلی ندارم تا با ذکر سرگذشت پیگیری‌ها از کسی یا جایی گلایه‌ای کنم. فضای جامعه سینمایی ما به خودی خود انباشته از ابرهای تیره‌آه و ناله‌است. نمی‌گویم کسی از اوضاع نابسامان امروز سینما شکوه و شکایتی ندارد اما گمان می‌کنم همه ما باید بیشتر به دنبال روش‌های سازنده باشیم تا‌آه و ناله‌های فرساینده.

بخشی از گفت‌وگوی کارگردان فیلم «۲۳ نفر»، با خبر آنلاین

در مراسم اختتامیه بیست و دومین جشنواره قصه‌گویی از ایرج طهماسب تجلیل شد

ادای دین به آقای مجری محبوب

جشنواره قصه‌گویی امسال شمع ۲۲ سالگی‌اش را فوت کرد؛ جشنواره‌ای که در بدو ورود به سنین جوانی، راه‌ورود به قلب آنهایی که چند سالی از جوانی‌شان گذشته را هم یاد گرفته است. در صندوق خاطر آتشان را گشوده و با خاطره بازی برای آنها خاطره می‌سازد. سال گذشته حتی آنهایی که در جریان کم و کیف برگزاری جشنواره نبودند، با شنیدن اسم قصه‌گوی محبوب دوران کودکی‌شان، آقای حکایتی دلشان به برگزاری این جشنواره گره خورد و از مشتری‌های پرو پا قرص آن شدند. جشنواره قصه‌گویی که آیین اختتامیه پارسالش

اخلاق گر است اما نصیحت نمی‌کند

تا قبل از ورود به صحنه سعی کردم با ایرج طهماسب رو در رو نشوم. خبر نداشت که قرار است از او تقدیر شود. قرار بود غافلگیرش کنیم، اگر چه این غافلگیری دلچسب باید زودتر از اینها اتفاق می‌افتاد. نقش او در مجموعه کارهای کودک و کارهای «سالم» خانواده آنقدر پررنگ است که باید پیش از اینها در مراسمی ویژه از ایرج طهماسب تجلیل می‌شد. طهماسب شبیه زنده‌یاد نصرت کریمی است که از هر انگشتش یک هنر می‌ریزد. خوب می‌نویسد، کارگردانی می‌کند، صدایشگشی‌اش درجه یک است، بازیگر خیلی خوبی است و البته عروسک‌گردان منحصr به‌فردی است. همه اینها باعث شده که ایرج احاطه خوبی در کارهایش داشته باشد و از آن دست کارگردان‌هایی نباشد که یک عده را دورش جمع می‌کند تا بلکه بتوانند کاری کنند.

در تعریف کردن قصه مهارت دارد. حرف‌هایش نه شعاری است و نه نصیحت. ظریف و نکته‌سنج است. از دریچه‌ای باریک به مسائل نگاه می‌کند و از همان دریچه باریک یک جهان را به مخاطب نشان می‌دهد. نصیحت نمی‌کند اما بشدت اخلاق‌گراست. اصول دارد و حفظ اصول برایش خیلی هم مهم است. طنز ظریفی دارد. به قصه‌گویی‌های آخر شبش برای عروسک‌های مجموعه «کلاه قرمزی» دقت کنید و ببینید کلاه قرمزی و پسر عمه‌ا و قامیل دور و جیگر و... هر کدام‌شان چطور با دیدگاه‌های مختلف نسبت به قصه عکس‌العمل نشان می‌دهند، گاهی به قصه گوش می‌کنند و گاهی نه و حتی سؤال‌های پرت و پلا می‌پرسند. ایرج طهماسب یک هنرمند مردمی است.

لحنش به لحن مردم نزدیک است و به همین خاطر اینقدر دلنشین است و خوب تأثیر هم می‌گذارد. از ابتدا و از همان دوران نوجوانی که وارد این فضا شد در همه تحولات و تغییراتی که در این سال‌ها اتفاق افتاد، قدم‌به‌قدم همراه مردم بود. باید قدران نسلی باشیم که در شرایط سخت دلسوزانه برای جامعه، خانواده و بخصوص بچه‌ها کار کردند و بدون چشمداشت مالی، زیر سایه تنگ‌نظری مسئولان با امکانات محدود چنین کارهای موفقی ساختند. آنها در شرایطی کار کردند که قابل قیاس با امروز نیست که هم ابزار کار بیشتر است و هم رسانه‌های متعددی برای عرضه کارشان وجود دارد و در چنین شرایطی کارهایی ساختند که همه آبرومند و با اخلاق است. وقتی به کارهای هم‌نسلانم و آنهایی که من حکم خواهر بزرگ‌تر برای آنها دارم نگاه می‌کنم احساس سربلندی می‌کنم از اینکه نام نیک از خودشان به جا گذاشته‌اند. آنها همچنان راه ارتباط با مخاطب را بلدند چون مردم را دوست دارند و دوست داشتن‌شان صادقانه است.

مردم به‌خوبی فرق محبت صادقانه و فریبکارانه را می‌فهمند و آنهایی که به ضرب و زور و تقلب می‌خواهند با آنها ارتباط برقرار کنند را پس می‌زنند. ایرج طهماسب از همین دست آدم‌های صادقی است که راه ارتباط با مخاطب را خوب بلد است. امیدوارم سال‌های سال باشد و برای کودکان برنامه بسازد. اطمینان دارم کارهایش مثل همیشه و شاید بیش از قبل موفق خواهد بود. آرزو می‌کنم طلسم «کلاه قرمزی» شکسته شود و ایرج طهماسب باز هم کار کند و آثار جدیدی از او ببینیم.

یادداشت



الهه رضایی مجری برنامه‌های کودک و نوجوان



آدمزادهم مثل سبب‌زمنی است، اگر نسل اندر نسل در همان خاک بی‌قوت بکارندش، خوب رشد نمی‌کند. بچه‌های ما هر کدام‌شان جایی به دنیا آمده‌اند و اگر سرنوشت‌شان دست من باشد، باید در خاک غریب ریشه بدهانند.

خاک غریب / جومیا لاهییری ترجمه امیرمهدی حقیقت / نشر ماهی

بیست‌ودومین دوره جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی که اختتامیه آن اول هفته برگزار شد را می‌توان یکی از ارکان مهم تربیتی در جامعه دانست. مراسمی که در آن چگونگی جلب توجه افشار مختلف مردم با تمهیدات جذابتر به قصه‌گویی و ایجاد شرایط برای درک اهمیت آن، نمود پررنگی داشت؛ از تقدیر از ایرج طهماسب به عنوان یکی از چهره‌های محبوب و فعال که قصه‌پردازی و قصه‌گویی همیشه در اولویت برنامه‌هایش بوده تا دعوت از چهره سرشناسی همچون رضا کیانیان برای قصه‌گویی.

در ایام جشنواره مردم علاقه‌شان به قصه‌گویی را نشان دادند و در آیین اختتامیه من به عینه شاهد بودم که در صورت آماده‌سازی بسترهای فرهنگی مردم حتی در شب پیدا هم با اشتیاق در جلسات فرهنگی شرکت می‌کنند. به اعتقاد من استقبال از اختتامیه جشنواره قصه‌گویی نمود عینی فرهنگ دوستی مردم بود. اگرچه قصه‌گویی مدت‌ها بود کمرنگ شده بود اما برخی خانواده‌ها برای رجوع به گذشته، معرفی فرهنگ‌های مختلف و انتقال پیام‌های تربیتی به فرزندانشان تا حدی قصه‌گویی را زنده نگه داشتند.

قصه دستاوردهای بزرگی برای کودکان و نوجوانان دارد و از نگاه من مهمترین کاربرد آن ایجاد اشتیاق برای مطالعه در سنین بزرگسالی است. در روزگاری که جامعه با تنوع فرهنگی مواجه است، قطعاً قصه‌گویی یکی از راه‌های بیان رویکردهای مناسب برای زندگی و روزهای کم‌تجربگی هر انسانی است.

اصلاً واژه قصه برای اغلب ما دلنشین است و شنیدن همین واژه ما را به دنیای کودکی و روزهای پرشوق و ذوق کتابخوانی می‌کشاند. وقتی همین یک واژه به تنهایی چنین تجسمی را پدید می‌آورد قطعاً هر قصه هزاران خلق ذهنی را به همراه دارد. قصه‌گویی در لحظه ما را به رؤیا می‌برد و با تصویرسازی و فضاسازی آنچه می‌خوانیم یا می‌شنویم قدرت تجسم تقویت می‌شود و تجسم در ایجاد خلاقیت تأثیر زیادی دارد. راهکارهای مختلف برای رونق قصه‌گویی از جمله برگزاری همین جشنواره اگر در مسیر درست انجام شود به‌طور قطع قصه‌گویی جای خود را در خانواده و در بین مخاطبان پیدا می‌کند.

وجود رسانه‌های دیگر نباید مزاحم و مخل توجه نسل جدید به قصه و ادبیات شود. اگر هر یک از این رسانه‌ها به خاطر مؤلفه‌های جذاب کودک و نوجوان را جلب کرده‌اند، ما هم باید برنامه‌های سرگرمی و آموزشی‌مان را از راه‌ی جذاب با مخاطب و نسل جدید ارائه دهیم، همان‌طور که جشنواره قصه‌گویی هر سال با نمایش‌ها و بخش‌های خلاقانه نو توجه نسل‌های جدید را جلب کرده است.

جشنواره قصه‌گویی به مرور زمان حتی علاوه بر تأثیرگذاری در قصه‌گویی منجر به ارائه نوعی از شیوه زندگی به خانواده‌ها می‌شود. خانواده‌هایی که کودکان‌شان را به چنین فضایی می‌آورند به مرور به آنها می‌آموزند که تفریح و سرگرمی مثلی تلافی جدا از فرهنگ و هنر نیست. در نهایت بستر ذهنی کودک به مرور به تلقیق تفریح و فرهنگ عادت می‌کند و احتمال توجه کودکان به تفریحات ناسالم در آینده کمتر می‌شود.

درگذشت بازیگر روز شغال

تونلی بریتون بازیگر سرشناس بریتانیایی درگذشت. او که بیش از همه با بازی در فیلم «روز شغال» شناخته می‌شد هنگام مرگ ۹۵ سال داشت و خبر درگذشت او را دخترش به رسانه‌ها اعلام کرد. این بازیگر کهنه‌کار که از صحنه‌های تئاتر لندن به دنیای بازیگری وارد شده بود، سال‌ها در فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی نقش آفرینی کرد.

علاوه بر «روز شغال» به کارگردانی فرد زینه‌مان که سال ۱۹۷۳ ساخته شد و یکی از برترین تریلرهای سیاسی تاریخ سینماست، «یکشنبه خونین یکشنبه» به کارگردانی جان سلزینجر یکی دیگر از آثار سینمای این بازیگر است. روز شغال با موضوع ترور شارل دوگل نخست وزیر وقت فرانسه بارها در آثار سینمایی بعد از خود مورد ارجاع قرار گرفت. بریتون که تا چند سال پیش در تئاتر روی صحنه می‌رفت، آخرین بار سال ۱۹۷۹ در فیلم «آگاتا» کنار داستین هافمن و تیموتی دالتون روی پرده سینما ظاهر شد. برخی بازیگران شناخته شده بریتانیایی از جمله پیترباگن بازیگر سریال معروف و محبوب «دانتون ابی» درگذشت بریتون را با انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی تسلیت گفتند.



عکس نوشت

نقاشی «کومه‌های علف خشک» اثر «کلود مونه» به عنوان گران‌ترین اثر هنری فروخته‌شده در سال ۲۰۱۹ ثبت شد. این نقاشی سه دهه متوالی در یک مجموعه خصوصی نگهداری می‌شد برای آخرین بار در سال ۱۹۸۶ در حراجی کریستیز به قیمت ۲/۵ میلیون دلار فروخته شد. این نقاشی رنگ روغن که در سال ۱۸۹۰ خلق شده گرانقیمت‌ترین نقاشی فروخته‌شده «کلود مونه» در حراجی ساتییز نیز محسوب می‌شود. گفته می‌شود یک میلیارد آلمانی به‌نام «هاوسولتنر» آن را خریداری کرده است.

از ۱۰ اثر هنری گرانی که در سال ۲۰۱۹ فروخته شدند، ۹ اثر در نیویورک و توسن «ساتییز» و «کریستیز» به فروش رفتند.